قرار بده در دایره عدد مناسب را. «یک کلمه اضافی است»

اَلتَّمْرينُ الثّالِثُ: ضَعْ فِي الدّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُناسِبَ. «كَلِمَةٌ واحِدَةٌ زائِدَةٌ.»

فعالیت ۱ـ اَلنَّشاطُ
ساعت کار ۲ـ اَلدَّوامُ
زنگ درس ۳ـ اَلْحِصَّةُ
تلفن ٤ـ اَلْهاتِفُ
پیشنهاد ٥ـ اَلِاقْتِراحُ
شهروند ٦ـ اَلْمُواطِنُ

(۵) إعطاءُ حَلٍّ وَ بَيانُ طَريقَةٍ لِلْقِيامِ بِعَمَلٍ.
دادن راه حل و روشن کردن راهی است برای انجام کاری.

(۴) آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصْواتِ مِن مَكانٍ إلىٰ آخَرَ.
ابزاری است برای انتقال صداها از مکانی به مکان دیگر.

(۲) ساعاتُ الْعَمَلِ لِلْمُوَظَّفينَ وَ الْعُمّالِ.
ساعت های کار برای کارمندان و کارگران

(۶) هوَ الَّذي يَعيشُ مَعَنا في وَطَنٍ واحِدٍ.
همان کسی است که زندگی می کند با ما در یک وطن

(۱) عَمَلٌ بِتَحَرُّكٍ وَ سُرعَةٍ.
کاری است با تحرک و سرعت.

قرار بده در جای خالی کلمه ای مناسب از کلمات زیر «دو کلمه اضافی است»

اَلتَّمْرينُ الرّابِعُ: ضَعْ في الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً مِنَ الْكَلِماتِ التّالِيَةِ. «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ.»

ده آرامش پنجاه ستون‌ها خبر دارند به ما مهمان دوست رنگ دارد خالی شد
عَشْرُ / الْهُدوءِ / خَمسينَ / أَعمِدَةً / أَخبَرونا / مِضياف / حُجرَةٌ / يَمتَلِكُ / فَرَغَتْ

وهما نا فرستادیم نوح را به سوی قومش پس درنگ کرد در میان آنها (۹۵۰) سال
۱ـ ﴿وَ لَقَد أَرسَلْنا[1] نوحاً إلىٰ قَومِهِ فَلَبِثَ[2] فيهِم أَلفَ سَنَةٍ إلّا خَمسينَ عاماً﴾ اَلْعَنكَبوت: ١٤
۹۵۰ سال

هرکس کار نیکی بیاورد ده برابر آن پاداش دارد.
۲ـ ﴿مَن جاءَ بِـ[3]الْحَسَنَةِ فَلَهُ عشر أَمثالِها﴾ اَلْأَنعام: ١٦٠

سفر کردیم به روستایی، زیرا ما نیازداریم به آرامش.
۳ـ سافَرْنا إلىٰ قَريَةٍ، لِأَنَّنا بِحاجَةٍ إلىٰ الهدوء .

همسایگان خبر دارند به ما در مورد آنچه اتفاق افتاد در خیابان.
٤ـ اَلْجيرانُ أخبرونا بِما حَدَثَ في الشّارِعِ.

٥ـ أَنزَلَ الْعامِلُ الْبَضائِعَ فَفَرَغَتْ السَّيّارَةُ. کارگر کالاها را پیاده کرد و ماشین خالی شد.

٦ـ هَلْ يَمتَلِكُ أَبوكَ أَرضاً فِي الْقَريَةِ؟ آیا دارد پدرت زمینی در روستا؟

۷ـ لَيسَتْ فِي الْفُندُقِ حجرة فارِغَةٌ. در هتل اتاقی خالی نیست.

۱ـ **أَرْسَلْنا:** فرستادیم ۲ـ **لَبِثَ:** اقامت کرد، ماند ۳ـ **جاءَ بِـ:** آورد